



ماهنامه فرهنگ، اجتماع اسوه

مؤسسه فرهنگ قرآن و عترت اسوه تهران

شماره ۹۶ / ماه ربیع الثانی ۱۴۴۲ / صفحه ۱۲

# ولادت امام حسن عسکری (علیه السلام) مبارک باد



## تقویم و روز شمار ماه ربیع الثانی

۴ ربیع الثانی: ولادت حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام)؛

(سال ۱۷۳ هجری قمری)

۸ ربیع الثانی: میلاد امام حسن عسکری (علیه السلام)؛

(سال ۲۳۲ هجری قمری)

۵ آذر: روز بسیج مستضعفان

۱۰ ربیع الثانی: وفات حضرت معصومه (سلام الله علیها)؛

(سال ۲۰۱ هجری قمری)

۷ آذر: روز نیروی دریایی

۱۶ آذر: روز دانشجو

◆ کوشش اجانب برای زدودن محتوای اسلامی از برنامه‌های فرهنگی و علمی

◆ شاخص و ابزار سنجش در درون انسان

◆ سبک زندگی کوثری (این شماره: سوره فلق)

◆ مودت بین زوجین (قسمت سوم)

◆ تربیت در محیط خانواده

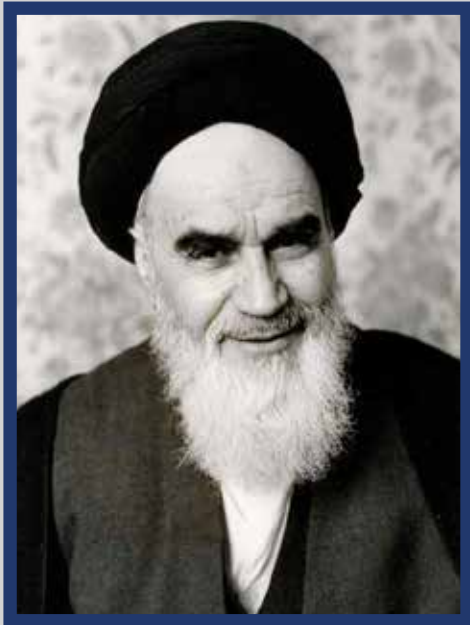
◆ شهید «رسول خلیلی» از قاب اسوه

◆ سرمای زانبار و سرمای مفید

◆ بهترین راه وصول الی الله در بیان نورانی امام حسن عسکری (علیه السلام)

◆ حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام)؛ شخصیتی علمی و مجاهد

◆ هستید و هستید و هستید...



# کوشش اجانب برای زدودن محتوای اسلامی از برنامه‌های فرهنگی و علمی

پیام به استادان، دانشجویان و دانش آموزان

دانشمندان معظم باید کوشش کنید، و مغزها را از این وابستگی فکری شست و بشو دهید. و با این خدمت بزرگ و ارزنده، ملت و کشور خود را نجات دهید.

## کوشش در علم آموزی و کسب تخصص‌ها

باید کوشش در راه علم و به دست آوردن تخصص در رشته‌های مختلفه اساس فعالیت دانشجویان عزیز باشد؛ که نیازمندی‌های میهن به دست خود آن‌ها برآورده و کشور ما با کوشش شما خود کفا شود. مع‌الأسف در دوران گذشته اساس بر آن بود که ما را در هر چیز وابسته کنند؛ و با ملت ما آن کنند که دستش برای هر چیز پیش دیگران دراز باشد. شما عزیزان کوشش کنید که از این وابستگی بیرون آید و احتیاجات کشور خودتان را برآورید. و از نیروی انسانی و ایمانی خودتان غافل نباشید، و از اتکال به اجانب بپرهیزید؛ و استقلال خود را در تمام ابعاد بیمه کنید. و از هیاهوی غرب و غریزدگان نهراسید که خداوند متعال با شماست.

## ضرورت تغییرات بنیادی در مراکز آموزشی

یکی از مسائل بسیار مهم در تمام دستگاه‌ها، خصوصاً دانشگاه‌ها و دبیرستان‌ها، تغییرات بنیادی در برنامه‌ها و خصوصاً برنامه‌های تحصیلی، و روش آموزش و پرورش است، که دستگاه فرهنگ ما از غریزدگی و از آموزش‌های استعمار نجات یابد. اجانب، خصوصاً آمریکا، در نیم قرن اخیر کوشش داشتند و دارند فرهنگ و برنامه‌های فرهنگی و علمی ما را از محتوای اسلامی، انسانی، ملی خود خالی، و به جای آن فرهنگ استعماری استبدادی بنشانند. فرهنگ زمان طاغوت، کشور ما را تالاب پرتگاه سقوط کشاند؛ و خداوند تعالی به داد این کشور اسلامی رسید، ولی بدون تغییرات صحیح بنیادی و تحول فرهنگی و علمی امکان تحول فکری و روحی نیست. و باید با کوشش همه جانبه از طرف دولت و رؤسای دانشگاه‌ها و فرهنگیان و جوانان دانشجو به مقصود نزدیک شویم؛ و ان شاء الله تعالی از پیوستگی و وابستگی نجات پیدا کنیم، و کشور عزیزمان را نجات دهیم. (۳۱ شهریور ۱۳۵۸) ■

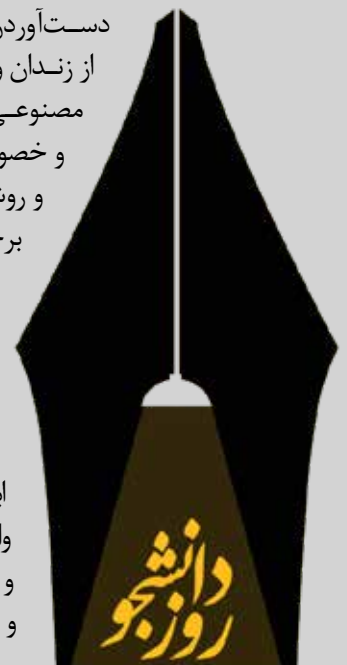
سلام بر دانش و دانشگاه و دانشگاهیانی که چراغ راه هدایت و راهنمای ملت به سوی تعالی و سعادت و فضل و فضیلت می‌باشند.

دشمنان اسلام و غارتگران کشور با توطئه‌ها و نیرنگ‌ها می‌خواهند در این سنگر عظیم، که امید ملت و مرکز سرنوشت کشور است، رخنه نموده و با عمال خود، شما را از راه خود که راه حق و راه محرومین و مستضعفین است، منحرف، و با اخلاگری در مراکز علم، شما را از هدف بازدارند. لازم می‌دانم نکاتی چند را با شما عزیزان در میان گذارم، باشد که قسمتی از دین خود را به اسلام و طبقه محروم و شما عزیزان ادا نمایم؛ و از زیر بخشی از مسئولیت‌های خود نزد خالق و خلق بیرون آیم:

## وابستگی فکری بزرگ‌ترین وابستگی‌ها

همان‌طور که کراراً تذکر داده‌ام بزرگ‌ترین وابستگی ملت‌های مستضعف به ابرقدرت‌ها و مستکبرین؛ وابستگی فکری و درونی است، که سایر وابستگی‌ها از آن سرچشمه می‌گیرد و تا استقلال فکری برای ملتی حاصل نشود، استقلال

در ابعاد دیگر حاصل نخواهد شد. برای به دست آوردن استقلال فکری و بیرون رفتن از زندان وابستگی به غیر، باید از خواب مصنوعی که بر بعضی از قشرهای ملت و خصوصاً طبقه دانشمند و متفکر و روشنفکر تحمیل شده است، برخیزید و خود را و مفاخر و مآثر ملی و فرهنگی خود را دریابید. بزرگ‌ترین فاجعه برای ملت ما این وابستگی فکری است که گمان می‌کنند همه چیز از غرب است، و ما در همه ابعاد فقیر هستیم، و باید از خارج وارد کنیم. شما استادان و فرهنگیان و دانشجویان دانشگاه‌ها و دانشسراها، و نویسندگان و روشنفکران و





# شاخص و ابزار سنجش در درون انسان

سید جعفر حسینی



خداوند ساختار وجودی تو را به گونه‌ای خلق کرده که هزارها «خواسته» در تو وجود دارد. خواسته‌هایی که بعضاً با هم متضاد هستند. و تو متحیری که بین همه این خواسته‌ها کدام را انتخاب کنی که به «رشد» برسی. باید شاخص داشته باشی که «خواسته برتر» را تشخیص دهی.

تا بتوانی به انتخاب برتر دست بزنی. خداوند آن شاخص و ابزار سنجش را در تو قرار داده است. آن شاخص و ابزار سنجش «عقل» تو است. همانی که پیامبران الهی آمدند تا آن را که در زیر خروارها عادت، تعصب و هوا و هوس مدفون شده است بیرون بکشند؛ «و یُثَبِّرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ» (خطبه ۱ نهج البلاغه). انسان تا زمانی که دست به مقایسه بین خودش و چیزهای دیگری که خودش را خرج آن‌ها می‌کند، نزند؛ نمی‌تواند جان سالم به در ببرد. در مقایسه‌ها است که انسان «کالای برتر» را کشف می‌کند و برای گزینش آن اقدام می‌کند. این مقایسه کار فکر است و انتخاب برترین خواسته کار عقل است. کمال یعنی ترجیح خواسته‌های برتر و متعالی خویش نسبت به خواسته‌های زودگذر و پست وجود.

اگر دین دستوراتی درباره خواسته‌های زودگذر و پست انسانی دارد به منظور این است که آن‌ها باید پلکانی برای رسیدن به خواسته‌های برتر و متعالی او باشند؛ وگرنه هر خواسته‌ای که انسان را از خواسته‌های برتر دور کند، خواسته‌ای مضر است که دین دستور اجتناب حتمی (حرام) از آن‌ها را داده است. ■

منابع: کتب «آزادی انسان»، «عقل و علم» و «فطرت»؛ شهید مرتضی مطهری.

# سبک زندگی کوثری (از ناس تا نباء)

دکتر زهرا خلخالی

zmnyhi@gmail.com

## سوره فلق:

اصل و اساس سوره فلق هم مانند سوره ناس (معوذتین)، «قل اعوذ» است، که اساس تربیت این دو سوره است تا انسانی را که «وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» بود، فقط با اعتماد به سر دادن «قُلِ» سوره ناس با استعاذه به رب و ملک و اله از شر وسوسه خناس رهایی دهد و با پناه بردن به «رَبِّ الْفَلَقِ»، از «شَرِّ مَا خَلَقَ» تعویذ نماید.

ابتدا از شر «غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ»، غاسق شامل همه آن چیزی است که وی را از ادامه مسیر، باز می‌دارد، «وَقَبَ» همان عمل توقف را انجام می‌دهد، مانند زمین خوردن، طلبکار پشت در، بیماری، تصادف و فرو رفتن مژه در چشم و... که در طول روز و شب شاید صدها یا بیشتر در زندگی هر فردی اتفاق می‌افتد، و کافی است او هر روز و شب از شر این غاسق‌ها به «رَبِّ الْفَلَقِ» که شکافنده تاریکی‌هاست، پناه برد.

اما «تَفَاتَاتٍ فِي الْعُقَدِ» که متأسفانه ترجمه و تفسیر غلط «زنان دمنده در گره‌ها» به عدم درک این سوره مظلوم انجامیده، از «تفث» که همان نفس است که به دلیل کثرت، تای گرد گرفته و با «ات» جمع بسته شده است؛ گروه‌های بسیار بزرگ جاسوسی عالم مثل سیا و موساد و حتی داعش را شامل می‌شود که نفس نفس زنان در تلاش بسیار برای از بین بردن عقد و اخوت بین مسلمین هستند و همواره راه دینداری انسان‌ها را مختل می‌نمایند و نفاتات که همیشه از جهل بشر برای پنهان کردن ماهیت خود استفاده می‌کند و پیوسته زاده یهود است که دشمنی با بشریت، وی را به مرز جنون کشانده، لحظه‌ای نفسش از دشمنی با ناس باز نمی‌ایستد؛ فلذا از شر بزرگ وی نیز فقط باید «قُلْ أَعُوذُ» سر داد.

و اما از بین همه صفات رذیله، حسادت به عنوان شری که ویرانگر دو سویه است و نقصان در نعمت را طلب می‌کند، شر بزرگی است که استعاذه «رَبِّ الْفَلَقِ» را می‌جوید. جالب آنکه در آسمان، اولین حسادت از سوی ابلیس نسبت به آدم و حوا روی داد و در روی زمین، قابیل به هابیل حسادت ورزید که هر دو مورد فوق، منشأ شر و مصیبت برای بشر شد.

این دو سوره چون دو برادر هستند و راهکار عملی «قُلْ أَعُوذُ» را ارائه می‌دهند و به دنبال مستمع واقعی هستند تا انسان را از شر درونی وسوسه و شرور بیرونی حفظ نمایند و وی را برای مقام والای بنده خدا شدن آماده نمایند تا به تناسب حد و اندازه این استعاذه، توحید را در قلب او عرضه نمایند.

پس هر صبح و شام با قرائت این دو سوره، خود را از همه شرور با استعاذه واقعی به خدا، بیمه نماییم. ■

## سوره کریمه فلق

ترتیب از آغاز:

۱۱۳

ترتیب از پایان:

دوم

تعداد آیات:

پنج آیه و مکی

پایانی آیات: فلق، خلق،

وقب، عقد، حسد

سوره زوج:

نلس

گروه:

معوذات و قلاقل

محور موضوعی:

پناه بردن به رب الفلق از شر

ما خلق

نفت:

فلق:

شکافتن تاریکی شب با

سپیده صبح

غاسق:

شب بس تاریکی و هر نوع

سختی و ناملایمات

وقب:

هر نوع بازدارندگی

نفاتات:

جمع نفت، نفس و دمیدن

عقد:

جمع عقد، پیوند و اخوت

فضیلت:

ابی بن کعب: هر کس

معوذتین را بخواند، مانند این

است که همه کتاب‌هایی که

خدا نازل کرده، خوانده باشد.

# مودت بین زوجین

دکتر ندا ایلیات

قسمت سوم

امام خامنه‌ای: «متأسفانه غرب، خانواده را، یعنی کانونی را که برای مرد و به‌خصوص برای زن محیط امن و آرامش است، از دست داده. بسیاری از خانواده‌ها متلاشی شده‌اند. بسیاری از زنان تا آخر عمر تنها زندگی می‌کنند. بسیاری از مردان، زن مورد نظر خود را نمی‌یابند و بسیاری از ازدواج‌ها در اولین سال‌های پیدایش از بین می‌رود.» ۱۳۷۶/۰۷/۳۰

جایگاه خدا را در زندگی خودمان پیدا کنیم. جایگاه اصلی خدا یعنی همان عمل کردن به دستورات قرآن و سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) که همه این‌ها در دست‌مان ما است.

وقتی انسان از همسرش که یکی از آیات الهی است و خدا او را به عنوان یک محور اساسی برای سکینه و آرامش او یاد می‌کند، دوری کند و خودش را به مسائل حاشیه‌ای مشغول کند، آرام آرام سختی‌ها بر انسان تحمیل می‌شود. این خود نمونه‌ای از اعراض و غفلت از آیات الهی است.

در عصر حاضر یکی از سیاست‌های جدی شیطان و تبلیغات رسانه‌ای معاند، علیه نظام زوجیت پاک و زیبای اسلامی همین است که بین زن و شوهر فاصله ایجاد کند و با ایجاد عداوت‌ها و مشکلات دنیایی، شالوده اولویت‌ها را از هم بپاشد. در زمان حاضر که طلاق زیاد شده است و این فاصله‌ها بین زن و مرد عادی‌سازی شده، دقیقاً مجرای است که شیطان برای دور کردن زن و شوهر با انواع حربه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی وارد عمل شده و اولویت‌های اول زندگی به سبک اسلامی را جابه‌جا و حتی معکوس جلوه می‌دهد. زوج‌های جوان مؤمن ما باید نسبت به این هشدار قرآنی توجه کنند و از آن غافل نباشند. رعایت این اولویت که با یاد و محبت خدا همراه است، موجب این می‌شود که زن و مرد در زندگی دنیا و آخرت موجب آرامش هم شوند.

قرآن کریم حدود رابطه همسری و نقش همسر مسلمان در زندگی را مرزهای محبت به خدا معرفی می‌کند. این همان شاه‌کلید اصلی است. لذا اگر تعارض و ناهمگونی در این جهت باشد، قرآن وظیفه زن و مرد مسلمان را این می‌داند که هرگز زندگی و تعلقات دنیوی را بر محبت و انتخاب الهی مقدم نکنند. ■

در شماره‌های قبل عرض شد که خداوند متعال رسیدن به آرامش در زندگی را یک پدیده‌ای قرار داده است که زن و مرد در کنار هم می‌توانند به این آرامش و سکینه دست پیدا کنند. زیرا در سایه این پیوند و این عقد زناشویی یکی از خلقت‌های بزرگ خداوند که از بدیهیات و مسلمات است، در زن و مرد جاری می‌شود. جان‌شان به جان هم بند می‌شود. طوری که حتی نمی‌توانند دوری هم را تحمل کنند و جایگزینی غیر از همسرشان بیابند.

این پدیده مهم خلقت، مسئله‌ای جدی است که نباید آن را در زندگی فراموش کرد. لذا وقتی شما همسرتان را در اولویت قرار می‌دهید، درواقع به ندای درونی خودتان، به این مسئله کاملاً طبیعی و فطری که در خلقت است، توجه می‌کنید و درواقع به خودتان بها می‌دهید، به فرمان الهی بها می‌دهید و یقیناً بازتاب این عمل را برای خودتان هم مشاهده خواهید کرد. زیرا زن و شوهر تنها کسانی هستند که قرار است تمام لحظات زندگی را در سختی‌ها و شادی‌ها تا آخر عمر کنار هم باشند. بنابراین زمانی که بچه‌دار شدید باید همسرتان همچنان اولویت اول‌تان باقی بماند و این را تحت‌تأثیر عوامل دیگری قرار ندهید. عشقی که شما به فرزندتان دارید باید حاصل عشقی باشد که شما به همسرتان دارید. لذا از مسائل مبنایی در زندگی زناشویی همین مسئله است؛ رعایت اولویت اول زندگی زن و مرد در همه شرایط؛ چه با حضور فرزندان و چه با رفتن فرزندان در زندگی.

با اطمینان می‌توان گفت که علت سختی بعضی زندگی‌ها همین مسئله است: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» (سوره طه، آیه ۱۲۴)؛ اعراض و فراموشی از یاد خداوند. مهارت زندگی به سبک اسلامی در همین است که ما





# تربیت در محیط خانوادگی

آیت الله مجتبی تهران

## قسمت پانزدهم

### منشأ بی‌عفتی، رواج بی‌حیایی در جامعه است

رابطه میان غیرت و مسئله حیا هم تماماً هماهنگ است. معارف ما این‌گونه است، یک انسان (حتی من می‌خواهم بگویم، انسان نه مؤمن) هر آدمی که بخواهد انسانیت خودش را حفظ بکند، باید یک همچنین غیرتی نسبت به بچه‌اش داشته باشد؛ چه دخترش، چه پسرش. اگر بخواهید فرزندان‌تان را عقیف بار بیاورید، بدانید عفت از حیا نشأت گرفته است، شاخه‌ای از حیا است.

علی (علیه‌السلام) فرمود: «سبب عفت، حیا است. هر مقدار حیا بالا برود، سطح عفت و پاکدامنی هم بالا می‌رود.»

منشأ بی‌عفتی در جامعه ما، بی‌حیایی است. مردم را دریده کردند. عواملی هم که این پرده را می‌درند، متعدد است. پدر و مادر باید بر سرشان بزنند؛ هیچ کار هم نمی‌توانند بکنند.

تا آن موقع که در محیط خانواده است، در دست والدین است. وقتی که رفت بیرون و در محیط آموزشی قرار گرفت، بدبختی او بالا می‌رود.

بدتر از همه هم محیط حاکم بر جامعه است. رسانه‌های تصویری، جنایتکارهای جامعه هستند. نمی‌توانم دیگر حرف بزنم.

بفهمید چه کار دارند می‌کنند. ■

ادامه دارد...

### آموزش حیا، در خانواده با پدر و مادر است

تمام دستورات دینی ما، دقیقاً حساب شده است. تمامش برای حفظ انسانیت من و تو است؛ و بعد از آن هم برای حفظ الهیت است. هم بعد انسانی، هم بعد الهی است.

نگاه کنید از کجا هم شروع می‌کند؟!

از همان اول، از محیط خانواده؛ همان موقع کودکی دستورات داده شده تا آخر آخراً.

اینکه من عرض کردم ای پدر، ای مادر! بدان تو غیرت داری؟ گفتم: غیرت، حالتی روحی است که از محبت نسبت به فرزند نشأت گرفته است.

به این می‌گویند «غیرت برای حفظ و حراست محبوب». باید هر کس دیگری را که دوست داری، نسبت به او غیرت داشته باشی و او را حراست کنی.

پدر که به بیچ‌ات علاقه‌مندی!

مادر که به بچه‌ات علاقه‌مندی!

غیرت داشته باش!

او را در بُعد انسانی و الهی‌اش حفظ کن!

نگذار مثل حیوانات شود.

«إِنَّ الْغَيْرَةَ مِنَ الْإِيمَانِ» اگر دین داری باید غیرت داشته باشی و از انسانیت و الهیت وجودی فرزندت حفاظت کنی.

بحث ما اینجا است.

علامه شهید مرتضی مطهری (رحمت الله علیه) می فرماید: سیر یعنی رفتن، اما سیره به معنای نوع و سبک راه رفتن است. آنچه به ما توصیه شده در باب الگوبرداری‌ها و عمل کردن‌ها، شناختن سبک پیغمبر (و بزرگان دین) است. سؤالی که باید باید باید از خود پرسیم اینکه: چرا باید سیره معصومین، اولیا و شهدا را دانست؟

گاهی بسیار از شهدا گفته می‌شود و اشک‌ها ریخته می‌شود و خون‌ها به غلیان می‌افتند و... خوب است، اما اگر به الگوبرداری و عمل منجر نشود؛ چه به دست می‌آوریم؟

و کسانی همیشه هستند که می‌دانند مبارزه علیه باطل همچنان ادامه دارد. جنس میدان‌های جنگ را می‌شناسند؛ گاهی سرباز مدافع حق در شهر هستند و گاهی میدان‌دار جنگ نرم و گاهی پشت مرزها می‌جنگند...

معتقدند هر جا ندای مظلومی به کمک‌خواهی برخوردار است بشتا بند.

این است خاصیت اسلام ناب محمدی؛ حساس است به صدای مظلوم؛ حالا هر کجای دنیا که می‌خواهد باشد یا از هر مسلکی... و اما مدافع حرم، «رسول خلیلی»...

بعضی‌ها... از آسمان که به دنیا می‌آیند انگار تکه‌ای از آسمان را از همان بدو ورود با خودشان به دنیا می‌آورند و در قلب خودشان نگه می‌دارند... بعد در مواجهه با بستر انسان‌ساز زمین، در مسیر عبودیت و خوببودن، آرام‌آرام آن تکه آسمان در قلبشان، وجودشان را پر می‌کند...

زبان‌شان به راه خداست... پاهای‌شان در راه خداست... دست‌های‌شان... نگاه‌های‌شان... راه هم با پاسبانی از قلب‌شان در برابر سیاهی‌ها...

در مسیر مولا نگه می‌دارند... رسول خلیلی، شهید دهه شصتی مدافع حرم از این دسته بود... دهه شصتی عمیقی که ولایت را فهمید و تمام زندگی و جوانی‌اش را در مدار ولایت الله گذراند...

شهید هم کسی است که مثل من، مثل تو، دنیا را تجربه کرده... خواستنی‌هایی داشته... بالا و پایین داشته... با خودش جنگ داشته... دلگرفتگی داشته... روزی هفتاد بار در انتخاب بین خوب و بد رنج کشیده... گاهی پیروز شده... گاهی شکست خورده، اما از مسیر خارج نشده... جهاد با خود داشته... و از خود هجرت و عبور کرده... از بدها که هیچ... از خوب‌ها گذشته تا خوب‌ترین را انتخاب کند...

به بلوغ لزوم گذراندن رنج‌های زمین رسیده... می‌داند رنج را...

رسول آذرماه سال ۶۵ آمد؛ دل مادر را شاد کرد و قلب پدر را نورانی. از ابتدای فهم و قوتش فعالیت کرد... ورزش کرد... رزم آموخت... علم‌اندوزی کرد... معاشرت کرد... در اجتماع حاضر بود...

دغدغه داشت، دغدغه رفاقت را... درد داشت، درد گرفتاری مردم را... چشم‌هایش در تمام جمع‌های دوستانه و تفریحات

خواب‌آلود و خسته از فعالیت‌هایش بود... خسته بود، اما همیشه شوخ‌طبع و خنده‌رو و همراه... می‌خندید... زیاد می‌خندید... حدود الهی را خوب فهمیده بود... غیرت را خوب بلد بود... مادر را از بچگی در جمع نامحرم با وقار صدا می‌زد...

حساس بود و باغیرت... حتماً روضه علمدار را خوب فهمیده بود که خود را آماده می‌کرد... مهربان بود... عاشق ابا عبدالله (علیه‌السلام) و حرم الله بود...

مدافع بود، مدافع جایگاه ولایت... آن‌قدر در مسیر دغدغه‌ها و ارزش‌هایش نفس زد تا یک تخریب‌چی قابل شد...

تخریب‌چی قابلی که نیروهای سوری را در برابر مهاجمان و وحوش آمریکا پرور مسلمان‌نمای داعش آموزش می‌داد.

اینگونه‌اند مردان خدا... از سیم خاردار نفس‌شان گذشته‌اند و مشغول گذر از سیم خاردار توطئه‌های لحظه به لحظه دشمن‌اند... شهید رسول، روزهای دلتنگی‌اش در گلزار شهدا و خلوت با شهدا گذشت. آرزو می‌کرد: «به امید روزهای بهتر، به امید شهادت»

روحش بزرگ و بزرگوار شد... از خودش که گذشت، در خطوطی دلنشین برای تمام آرزومندان مسیر عبودیت این‌طور نوشت:

«این دنیا با تمام زیبایی‌های آن، محل گذر است... همه ما به هر حال رفتنی هستیم؛ دیر یا زود فرقی نمی‌کند؛ راه این است؛ اما چه بهتر که زیبا برویم...»

اللهم الحقنا بالشهدا... ■

لکر محض خداست

# سرماي زيانبار و سرماي مفيد

وَقَالَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ):

«تَوَقَّوْا الْبُرْدَ فِي أَوَّلِهِ وَتَلَقَّوْهُ فِي آخِرِهِ، فَإِنَّهُ يَفْعَلُ فِي الْأَبْدَانِ كَفَعْلِهِ فِي الْأَشْجَارِ، أَوَّلَهُ يُحْرِقُ وَآخِرُهُ يُورِقُ.»

(حکمت ۱۲۷ نهج البلاغه)

## آیت الله مکارم شیرازی

بدن‌ها را ضعیف و نحیف و آماده بیماری‌ها می‌کند، بنابراین باید خود را پوشانید و از آن دور داشت، ولی سرمای ملایم آغاز بهار بعد از فصل زمستان که آمیخته با حرارت کم و رطوبت بسیار است به انسان نشاط و نیرو می‌دهد و مایه نمو و رشد بدن می‌گردد، از این رو باید به استقبال آن رفت. از آن گذشته در آغاز پاییز چون انسان به گرمای تابستان عادت کرده و باران کمتر باریده هوا آلوده است و انتقال انسان از آن گرما به سرما هرچند تدریجی است در بدن تأثیر می‌گذارد و میکروب‌های بیماری‌زا در آن نفوذ می‌کند و از این رو آگاهان می‌گویند: اگر آغاز پاییز باران‌هایی بی‌بارد بیماری‌ها کم می‌شود، اما در پایان زمستان و آغاز بهار، بدن در مقابل سرما مقاوم شده، عوامل بیماری‌زا بر اثر سرما و باران بسیار کم شده و استقبال از سرمای بهار نه تنها ضرری ندارد؛ بلکه عامل نمو جسم و جان می‌شود.

بوعلی سینا در کتاب طبی خود، قانون نیز به همین نکته اشاره کرده می‌گوید: «بدن‌ها از سرمای بهار آن احساسی را ندارند که از سرمای پاییز می‌کنند، زیرا هنگام سرمای بهار، بدن عادت به سرمای زمستان کرده و از آن رو از آن آزار نمی‌بیند، ولی به هنگام سرمای پاییز بدن که عادت به گرما دارد از آن آزار فراوان می‌بیند.» (کتاب قانون، ج ۱، ص ۸۳) البته خداوند ورود در فصول مختلف را تدریجی قرار داده تا مشکلات انتقال به حداقل برسد. ■

امام (علیه‌السلام) در این کلام حکیمانه خود دستور طبی مهم و کارسازی را بیان می‌کند که مراعات آن می‌تواند از بسیاری بیماری‌ها پیشگیری کند و بر نشاط و نمو جسم و روح انسان بیفزاید، می‌فرماید: «از سرما در آغاز آن (در پاییز) بپرهیزید و در آخرش (تزدیک بهار) از آن استقبال کنید، زیرا در بدن‌ها همان می‌کند که با درختان انجام می‌دهد؛ آغازش می‌سوزاند و آخرش می‌رویاند و برگ می‌آورد. پاییز آغاز سرما است؛ سرمای آمیخته با خشکی هوا که از گرمای تابستان و نبودن باران سرچشمه گرفته و به همین دلیل برگ‌های درختان پژمرده می‌شوند و می‌ریزند و به اصطلاح، مرگ طبیعت فرا می‌رسد. همان مرگی که مولود خشکی و سردی است، ولی در آغاز بهار هوا رو به گرمی می‌رود و معمولاً باران‌های پربراری می‌بارد. آن رطوبت و گرمی دست به دست هم می‌دهند و سبب شکوفه کردن درختان و برگ‌آوردن آن‌ها و حیات طبیعت می‌شوند. همان‌گونه که قرآن مجید می‌فرماید: «وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَّتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ» و همچنین زمین را (در فصل زمستان) خشک و مرده می‌بینی و هنگامی که آب باران بر آن فرو می‌فرستیم، به جنبش در می‌آید و رویش می‌کند و از هر نوع گیاهان بهجت انگیز می‌رویاند» (سوره حج، آیه ۵).

بدن انسان‌ها نیز جزئی از این طبیعت و متأثر به آثار آن است؛ سرمای خشک پاییز،





# بهترین راه وصول الی الله در بیان نورانی

## امام حسن عسکری (علیه السلام)



را به او می‌سپارد، به برکت او از لغزش‌ها مصون می‌ماند. کسانی که این راه را طی می‌کنند به قدری از زندگی لذت می‌برند که هیچ کسی به اندازه آن‌ها لذت نمی‌برد.

اگر آدم بینی‌اش بسته باشد وقتی یک سلسله غذاهای به حسب ظاهر شیرین را می‌بیند طمع می‌کند، اما وقتی شامه‌اش باز باشد و بوی بد این‌ها را استشمام کند اصلاً رغبت ندارد و خودش را به زحمت نمی‌اندازد. این باز بودن شامه و بینی و باز بودن باصره و سامعه همین است. در قرآن کریم فرمود یک عده چشم‌شان بسته است «أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَنِ ذِكْرِي» اگر کسی بوی غذای خوبی به مشامش برسد، اما چشمش بسته باشد نداند که این آلوده است و نبیند آلوده است، هوس می‌کند. لذا این نماز شب آدم را سمیع و بصیر می‌کند، شامه باز به آدم می‌دهد؛ حالاً آن مراحل عالی‌اش مخصوص انبیا و اولیاست اما مراحل ابتدایی که مشکل ما حل می‌شود به ما می‌رسد.

ذلت مؤمن به چیست؟ ذلت مؤمن به این است که نزد کسی مثل خودش سر خم نکند، نزد غیر خدا سر خم نکند و به غیر خدا محتاج باشد این ذلت است بنابراین هم قرآن کریم فرمود: تنها محور عزت، ذات اقدس الهی است، حالاً اگر مؤمن بخواهد عزیز بشود باید نزد عزیز برود باید این راه را طی کند و تا به لقای الهی نرسد تا مقرب عندالله نشود عزیز نمی‌شود این راهش چیست؟ در بیان نورانی امام حسن عسکری (سلام الله علیه) این است که «إِنَّ الْوُصُولَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَفَرٌ لَا يُدْرَكُ إِلَّا بِامْتِطَاءِ اللَّيْلِ» ■

امام عسکری (علیه السلام) در فرمایشی گهربار، وصول به خدا و نیل به مقام قرب الهی را یک راه طولانی دانسته و بیان داشتند: «إِنَّ الْوُصُولَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَفَرٌ لَا يُدْرَكُ إِلَّا بِامْتِطَاءِ اللَّيْلِ»؛ وصول به خدا و نیل به مقام قرب الهی یک راه طولانی است و پیمودن این راه طولانی مرکب می‌خواهد و بهترین و راهوارترین مرکب این سفر، نماز شب است.

سفر با مرکب قابل طی است و بدون وسیله نقلیه، آدم سفر طولانی را چطور طی کند؟

این راه، راه طولانی است. این سفر، سفر طولانی است؛ «إِنَّ الْوُصُولَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَفَرٌ» که این بدون مرکب نمی‌شود، مرکبش هم نماز شب است. نماز شب یک مرکب خوبی است. سوار این مرکب شوید و بروید. اگر می‌خواهید عزیز و گرامی شوید باید از خیلی چیزها صرف نظر کنید.

جریان شب زنده‌داری در حقیقت آموزش و پرورش روز است، برای اینکه وقتی ما شب برخاستیم و حداقل چهل نفر را دعا کردیم، روز هم حداقل به فکر حل مشکلات چهل نفر هستیم، اگر کسی شب برخیزد و از خدای سبحان حل مشکلات چهل نفر را طلب کند یقیناً روز به فکر آن چهل نفر هم هست، چنین انسانی نه بیراهه می‌رود نه راه کسی را می‌بندد، آن وقت این نظام می‌شود نظام ولایی، می‌شود نظام قرآن و عترت و منشأ برکت.

بیان نورانی امام حسن عسکری (سلام الله علیه) این است که «إِنَّ الْوُصُولَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَفَرٌ لَا يُدْرَكُ إِلَّا بِامْتِطَاءِ اللَّيْلِ»؛ مَطِيَّه یعنی مرکب راهوار. انسان وقتی سحر برمی‌خیزد و با خدایش گفت‌وگو می‌کند و خودش

برگرفته از سخنرانی و جلسه درس اخلاق

آیت الله جوادی آملی

# حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام)؛

## شخصیتی علمی

## و مجاهد

از سوی دیگر ایشان به دلیل شخصیت جهادی خود، با حال اختفاء و فرار به ری آمده است. شیخ نجاشی می‌گوید: «حارباً من السلطان»؛ ایشان از دست خلیفه عباسی از عراق و حجاز گریخت و به ری آمد؛ چون ری مرکز و محل تجمع شیعیان بود. هم در مدینه و هم در عراق، همه این‌ها مجبور نبودند از دست خلیفه بگریزند. این، مبارز بودن ایشان را نشان می‌دهد. مشخص می‌شود ایشان اهل نشر معارف امامت بوده؛ بخصوص در دوران حضرت جواد و حضرت هادی (علیهما السلام) که ایشان حداقل راوی این دو امام است. دوران عجیبی بوده است؛ دوران اختناق شدید نسبت به ائمه و در عین حال دوران نشاط عجیب شیعه در سراسر دنیای اسلام. این چیز مهمی است که در هیچ زمانی از دوران زندگی ائمه، شیعیان این همه فعالیت و نشاط و تحرک و سازماندهی و گسترش در دنیای اسلام نداشته‌اند که در دوران این سه امام یعنی حضرت جواد و حضرت هادی و حضرت عسکری (علیهم السلام) داشته‌اند؛ این در حالی است که این سه امام خودشان در مدینه و بغداد و در سامرا زیر نظر و تحت فشارهای خیلی شدیدی قرار داشتند. معلوم می‌شود در آن دوران، این بزرگوار شخصیت مهم و فعالی بوده که مورد توجه خلیفه قرار گرفته و تحت تعقیب بوده و به ری گریخته است. بنابراین هم شخصیت جهادی است، هم شخصیت علمی است و هم محدث است و حداقل از امام جواد و امام هادی (علیهما السلام) روایت نقل کرده است. ■

شخصیت جناب عبدالعظیم برای اغلب مردم ناشناخته است. جناب عبدالعظیم مرد بسیار بزرگی است. مردم مقامات علمی این بزرگوار را نمی‌دانند. به نظرم می‌آید یک وقت جناب آقای «ری‌شهری» احادیث این بزرگوار را استخراج کرده بودند و شما مثل اینکه روی آن دیوار همه‌اش را نوشتید. این خیلی کمک می‌کند به اینکه مردم از مقام محدثی ایشان آگاه باشند. تجلیل از جناب عبدالعظیم، تجلیل از علم و جهاد و زهد و تقواست. ایشان صائم النهار و قائم اللیل بوده است.

در حالات ایشان نوشته‌اند: در مدتی که ایشان در ری زندگی می‌کرد، همه روزها را روزه می‌گرفت و همه شب‌ها را مشغول عبادت بود. این‌ها حقاً و انصافاً چیزهای خیلی مهمی است. در فضیلت ایشان روایات معروفی وارد شده است. حضرت هادی (علیه السلام) به یکی از اهالی ری که از زیارت امام حسین (علیه الصلاة والسلام) می‌آمد، فرمود: «اگر می‌رفتی عبدالعظیم را زیارت می‌کردی، ثوابی را که از زیارت امام حسین نصیبت شده است به تو می‌دادند.» ما در جوار جناب عبدالعظیم زندگی می‌کنیم، شوق کربلا هم داریم؛ اما کمتر توفیق پیدا می‌کنیم به زیارت این بزرگوار برویم. این یک روایت، که مقام معنوی حضرت عبدالعظیم را نشان می‌دهد. آن روز، امام هادی (علیه السلام) می‌خواستند این مشعل در این نقطه از ایران بدرخشد. بیخود تعریف نمی‌کردند. می‌خواستند دل‌های آحاد ملت مسلمان را در این نقطه عالم به وسیله نور این مشعل که از انوار اهل بیت علیهم السلام است و آن روز از دنیا هم رفته بود و دیگر خطری او را تهدید نمی‌کرد، روشن کنند.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای برگزار کننده کنگره

حضرت عبدالعظیم الحسنی ۱۳۸۲/۳/۵

## در انتظار آفتاب

اعظم خو برو

هستید و هستید و هستید؛  
از ابتدا بوده‌اید و تا انتها نیز...  
زمین بر مدار شما می‌چرخد.  
قطب عالم امکان، اینکه اگر شما نباشید را حتی به خیال  
نمی‌توان آورد!  
وقتی جان‌های نورانی، واژه‌های شما را به دل تنگ ما رسانده‌اند تا  
جان بگیریم، نمی‌توان از نبودن شما حرف زد. آنجا که فرموده‌ای: «با غم‌تان  
محزونیم و با شادی‌تان شاد...»، یا آنجا که فرمودید: «گمان می‌کنید از حال شما  
بی‌خبریم؟!»، این‌ها را که می‌شنویم ذره‌ذره مان هوایی شما می‌شود مولا جانم؛  
زمین با اینکه هنوز زیبایی‌های خودش را دارد، اما کدورتی گرفته که کسی برای رفعش  
به تنهایی توان ندارد. دعای شما را می‌طلبم و نگاهت را...  
و البته اگر بیایی...  
اگر بیایی...  
هزاران خط می‌توانم بنویسم اگر بیایی چطور می‌شود؛  
چنین می‌شود، چنان می‌شود، اما به این جمله که تمام کلام را می‌رساند اکتفا می‌کنم: «اگر  
بیایی همه چیز خوب می‌شود.»  
می‌دانم، می‌دانم، ما باید کاری کنیم، اما مولا جان، بی‌تو حقیقتاً سخت می‌گذرد.  
مثل ما مثل طفلی است که خودش را میل راه رفتن نیست و تکیه بر پدر کرده، مهر و نگاه و  
حضور پدر باعث می‌شود بر خیزد.  
ما هم ایستاده‌ایم، خواسته‌ایم، ولی دست پدران‌ها اگر نباشد می‌افتیم.  
نگاهت اگر نباشد، امید، هرگز در خانه ما نخواهد زد.  
روزی نظرت را بر ما زیاد کن یا ایهاالعزیز...  
**به حق عمو جانت...**  
**به حق علمدار...**

# خواهد آمد

وعدہ روز ظہور تُو که دلا است خلدی  
دارم امید که مو کول بفردان شود  
وعدہ روز ظہور تُو که دلا است خلدی  
دارم امید که مو کول بفردان شود  
وعدہ روز ظہور تُو که دلا است خلدی  
دارم امید که مو کول بفردان شود  
وعدہ روز ظہور تُو که دلا است خلدی  
دارم امید که مو کول بفردان شود

وعدہ روز ظہور تُو که دلا است خلدی  
دارم امید که مو کول بفردان شود  
وعدہ روز ظہور تُو که دلا است خلدی  
دارم امید که مو کول بفردان شود  
وعدہ روز ظہور تُو که دلا است خلدی  
دارم امید که مو کول بفردان شود



# کلاس های هنری کانون دختران زهراپه اسوه

## خبر خوب اول:

در جریان کلاس های هنری ما که هستی، اگر هنوز ثبت نام نکردی فرصت را از دست نده، اما خبر خوب اینه که اگر سه نفر از دوستانت رو به کلاس های ما دعوت کنی، ۳۰ درصد تخفیف برای شرکت در کلاس ها می گیری. و اگر پنج نفر از دوستانت رو دعوت کنی، می توانی کاملاً رایگان توی کلاس های هنری ما شرکت کنی.

## خبر خوب دوم:

اگر نتوانستی یا سخت بود هزینه کلاس های هنری ما را یکدفعه پرداخت کنی. صندوق وام مؤسسه اسوه از ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان بهت وام می ده که بتونی توی کلاس ها شرکت کنی و وسایل مورد نیاز کلاس ها رو بخری و بعد با مبلغ ناپنج ماهانه ۲۰ هزار تومان قسطات رو تسویه کنی البته اگه زرنگ باشی می تونی از فروش محصولات هنریت توی فروشگاه مجازی ما قسطت رو پرداخت کنی البته این وام به ده نفر اول که درخواست بدهند داده می شود.



واحد پژوهش مؤسسه فرهنگ، قرآن و عترت اسوه تهران

سردبیر: سرکار خانم زهرا بادی

دبیر تحریریه: فخری مرجان

صفحه آرا: سعیده نیکبخت

بهای هر شماره: ذکر صلوات نثار ارواح طیبه شهدا و امام خمین (ره)

راه های ارتباطی با مؤسسه فرهنگ، قرآن و عترت اسوه تهران

پایگاه اینترنتی: [www.osveh.org](http://www.osveh.org)

درگاه الکترونیکی: <http://www.osveh.org>

کانال تلگرام: [osveh\\_org](https://t.me/osveh_org)

آدرس اینستاگرام مؤسسه اسوه: [osveh\\_org](https://www.instagram.com/osveh_org)

آدرس صفحه اینستاگرام چاشنی زودپز: [chashni\\_zoodpaz](https://www.instagram.com/chashni_zoodpaz)

نشانی: تهران- خیابان کارگر جنوبی- پایین تر از چهار راه لشکر- روبه روی دانشگاه پردیس علامه طباطبایی- کوچه شهید علی غیاثوند قیصری- بن بست آریا- پلاک ۶

شماره تماس: ۰۲۱-۵۵۴۸۲۰۲۵